

تألیفی
کتابهای
چایخانه ها،
نخستین

و
در ایران
چاپ شده

گرد آورنده : م. میرهادی

ترجمه های

چایخانه ها
نخستین

چایخانه ها
نخستین

جنگهای ایران و روس و پیامدهای مختلف آن عامل مهم بیداری نسبی ایرانیان در سده سیزدهم قمری بود. هیئت حاکمه ایران در مقام تصمیم‌گیرنده و برنامه‌ریز کشور در این مقطع زمانی، پس از قبول شکست، به تکاپو افتاد تا شاید بتواند خود و کشور را از ورطه سقوط و نابودی نجات دهد. بنابراین به راه‌حلهایی توجه کرد از جمله آگاهی و شناخت از اوضاع سیاسی - اجتماعی کشورهای مترقی و تحولات آنها، آشنایی با دانش فنی جدید در زمینه‌های مختلف نظامی و صنعتی و اخذ آنها، آشنایی به جغرافیای عالم و به طور کلی هرگونه اطلاعاتی که به نحوی فاصله ایجاد شده با دنیای پیشرفته را کم کند و موجبات ارتقای توان سیاسی، نظامی و فنی کشور شود. ورود صنعت چاپ به ایران در همین ایام کمک بسیاری به نشر و ترجمه کتابهای مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به معضلات طرح شده گردید. بررسی نخستین کتابهای تألیفی و ترجمه‌های چاپ‌شده در ایران موضوع نوشتار حاضر است. می‌کوشیم ضمن ارائه فهرستی از این کتابها و نویسندگان و مترجمان فعال آن عصر اهمیت و نیازهای جامعه ایرانی را در آن مقطع مهم تاریخی نمایان سازیم.

جریان اصلاحات در تبریز در کنار دیگر اقدامات نوگرایانه دیگر، موجب تأسیس صنعت چاپ و نشر کتاب و روزنامه شد. اولین چاپخانه در سال ۱۲۳۲ ق. با حمایت و تشویق عباس میرزا ولیمهد با حروف سریبی^۱ دایر شد.^۲ در همین دارالانطباق و به اهتمام شخصی به نام زین‌العابدین ابن ملک محمد التبریزی، نخستین بار کتابی فارسی با حروف عربی به طبع رسید.^۳

این کتاب اثر معروف میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی، «رساله جهادیه» یا «فتح‌نامه» بود که با مقدمه فرزندش ابوالقاسم قائم مقام فراهانی در سال ۱۲۳۴ ق. به زیور طبع آراسته شد.^۴

این مطبعه تا سال ۱۲۴۵ ق. به کار خود ادامه داد. اما از سرنوشت آن اطلاعی نداریم گویا پس از متداول شدن چاپ سنگی متروک شده است. می‌دانیم که میرزا صالح شیرازی هنگام بازگشت به ایران با خود دستگاه و لوازم چاپ را آورد. از سرنوشت مطبعه او نیز پس از ورود خبری در دست نیست. به هر حال، هیئت حاکمه در این زمینه هنوز نیازمند بود، چون عباس میرزا در سال ۱۲۴۰ ق. شخصی به نام میرزا جعفر تبریزی را به مسکو فرستادند. دستگاه چاپ سنگی با خود به ایران آورد و در ضمن آن صنعت را نیک بیاموزد. اندکی به دستگاه چاپ

سنگی در تبریز دایر گشت.^۵ پس از این اقدامات «دارالخلافة تهران» نیز به فکر ایجاد چنان مطبعه‌ای افتاد. این بار میرزا صالح شیرازی که در آن وقت «وزیر تهران» بود و به امور دیوانی می‌پرداخت، میرزا اسدالله نامی از اهالی فارس را به همین منظور به پترزبورگ فرستاد. پس از این رفت و آمدها به تبع تبریز، تهران نیز به همت میرزا صالح صاحب چاپخانه سنگی شد.^۶ فن چاپ سنگی به سرعت زیاد در ایران تعمیم یافت و بعد از «دارالسلطنه» و «دارالخلافة»، اصفهان، شیراز، ارومیه و به زودی دیگر شهرهای ایران صاحب چاپخانه شدند. درباره روند توسعه چاپ و چاپخانه و مسائل آن در ایران، پژوهشهای زیاد به انجام رسیده و ما را تا حدی از پرداختن به جزئیات این موضوع بی‌نیاز می‌سازد.^۷ آنچه در ربط با موضوع این نوشتار است، عناوین و نوع کتابهایی است که در طول این مدت به چاپ رسیده است و اکنون به واریسی آن می‌پردازیم.

- می‌دانیم که در دوره محمدشاه (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ق) چاپخانه‌های سنگی را بنا نهادند (۱۲۵۴ ق). اندکی بعد از تثبیت و فعالیت این چاپخانه‌ها در تبریز و تهران و دیگر شهرهای ایران در دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه - کتابهای زیادی به چاپ رسید. برجسته‌ترین آنها از این قرار بود:
۱. قرآن (۱۲۵۰ ق)
 ۲. زادالمعاد مجلسی (۱۲۵۰ ق)
 ۳. زیارت عاشورا (۱۲۵۷ ق)
 ۴. کلیات سعدی (۱۲۵۷ ق)
 ۵. کلیات حافظ (۱۲۵۸ ق)
 ۶. صد کلمه حضرت علی با ترجمه پاریسی منظوم (۱۲۵۹ ق)
 ۷. المعجم فی آثارالملوک المعجم (۱۲۵۹ ق)
 ۸. حدائق الشیعه، ملا احمد اردبیلی
 ۹. تاریخ جهانگشای نادری (۱۲۶۰ ق)
 ۱۰. دبستان المذاهب، محسن ثانی (۱۲۶۰ ق)
 ۱۱. برهان جامع (۱۲۶۰ ق)
 ۱۲. تقویم رقومی، میرزا تقی اهری (۱۲۶۱ ق)
 ۱۳. تاریخ پادشاهان عجم (۱۲۶۲ ق)
 ۱۴. الف لیله و لیلة: پاریسی، عبداللطیف طسوجی (۱۲۶۲ ق)
 ۱۵. قواعد پاریسی، میرزا عبدالکریم ایروانی (۱۲۶۲ ق)
 ۱۶. جناب الخلود (۱۲۶۲ ق)

۱۷. منشآت میرزا مهدیخان (۱۲۶۳ ق)
 ۱۸. خلاصه الحساب، میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله (۱۲۶۳ ق)
 ۱۹. مثنوی مولانای رومی (۱۲۶۴ ق)
 ۲۰. کلیات سعدی (۱۲۶۴ ق)
 ۲۱. کشکول شیخ بهایی (۱۲۶۶ ق)
 ۲۲. کتاب الادعیه والتعقیبات (۱۲۶۹ ق)
 ۲۳. جاجم معتمدالدوله (فروهاد میرزا) (۱۲۷۳ ق)
 ۲۴. کتاب السامی فی الاسلامی، میدانی (۱۲۷۳ ق)
 ۲۵. دیوان بنایی (۱۲۷۴ ق)
 ۲۶. شاهنامه فردوسی (۱۲۷۵ ق)
 ۲۷. مخزن الادویه (۱۲۷۷ ق)
 ۲۸. فلک السعاده، اعتضاد السلطنه (۱۲۷۸ ق)
 ۲۹. دیوان ناصر خسرو و منتخبات غزلیات مولوی معروف به شمس تبریزی (۱۲۸۰ ق)
 ۳۰. اجل التواریخ، رضاقلی هدایت (۱۲۸۳ ق)
 ۳۱. روضة الانوار عباسی (۱۲۸۴ ق)
 ۳۲. بحرالجواهر (۱۲۸۴ ق)
 ۳۳. قابوسنامه (۱۲۸۵ ق)
 ۳۴. جاودان خرد (۱۲۹۴ ق)
 ۳۵. جانورنامه، تقی هاشم انصاری کاشانی (۱۲۷۸ ق)
 ۳۶. امتحان الفضلا یا تذکره الخطاطین، میرزا سنگلاخ مشهدی، ۳ جلد (۱۲۹۵ ق) و سلسله کتابهای قریب به سی جلد که ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۴ به انضمام سالنامه هر سال توسط محمدحسن خان اعتمادالسلطنه تألیف و تدوین شده است.
 ۳۷. تاریخ ایران اشکانیان
 ۳۸. مرآت البلدان ناصری ۴ جلد
 ۳۹. منتظم ناصری ۳ جلد
 ۴۰. المآثر و الاثر
 ۴۱. مطلع الشمس ۳ جلد
 ۴۲. خیرات حسان ۳ جلد
 ۴۳. التددوین فی جبال الشروین
 ۴۴. تاریخ ساسانیان ۶ جلد
 ۴۵. نامه دانشوران هفت جلد^۸
- این فهرست نسبتاً طولانی را از این رو آورده‌ایم که نشان دهیم، نیازهای اصلی جامعه ایران در آن مقطع زمانی چه مسائل و موضوعاتی بوده است و همچنین سهم تألیفات فارسی در علوم جدید چه اندازه است. در این میان کتابهای خلاصه الحساب، فلک السعاده و جانورنامه تنها تألیفاتی هستند که به علوم جدید به آن معنا که ما تعریف آن را به دست داریم، پرداخته است. همان‌طور که از این فهرست برمی‌آید اغلب موضوعات کتابهایی هستند که مقارن رواج صنعت چاپ در ایران

موجود بودند و اکثریت آنها را کتابهای ادعیه، احادیث و اخبار و زیارات و دیوان شعرای نامدار پارسی‌گو تشکیل می‌دهد که این موضوع خود نشانگر فقر تألیفات فارسی در آن دوره زمانی است.

حال ببینیم در زمینه ترجمه کتابهای فرنگی اوضاع چگونه بود: ترجمه کتب مؤلفان اروپایی، از زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه در راستای دیگر اقدامات اصلاحی آغاز شد. این مهم ریشه در احیای صنعت چاپ داشت.

می‌دانیم که در همین عهد «جیمز کمل» انگلیسی از معلمین اروپایی که در آذربایجان مشغول خدمت بود، توانست نخستین کتاب خارجی را در سال ۱۲۲۸ ق به فارسی برگرداند.^۹ این کتاب «تاریخ اسکندر» نام داشت و کمل آن را از انگلیسی برگردان کرده بود.^{۱۰} در سال بعد محمدعلی نامی از مستوفیان دربار عباس میرزا، «تاریخ پترکبیر و شارل دوازدهم»، اثر معروف ولتر فیلسوف فرانسوی را آغاز به ترجمه کرد.^{۱۱} این کتاب و تاریخ اسکندر به سال ۱۲۶۳ «در یک مجلد در دارالطباعة طهران... شرف انطباع و احتتام پذیرفت.»^{۱۲} در سال ۱۲۴۳ نیز محمدبن عبدالصبور خوئی طبیب، رساله «تعلیم‌نامه در اعمال آبله زدن» را از لاتین به فارسی ترجمه نمود و در سال ۱۲۴۵ آن را به طبع رساند.^{۱۳} افزون بر این میرزا رضا مهندس، کتاب معروف «انحطاط و سقوط امپراطوری روم» اثر مورخ انگلیسی «ادوار گیبون»^{۱۴} را در سال ۱۲۴۷ ق. از انگلیسی به فارسی، با عنوان «تاریخ تنزیل و خرابی دولت روم» برگرداند.^{۱۵}

با ترجمه چند اثر دیگر در عهد فتحعلی و عباس میرزا پرونده این دوره بسته شد و دورانی جدید با مسائلی نو آغاز گشت. در عهد محمدشاه (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ق) دستگاه میرزا آقاسی بیکار نشست.

هنگامی که محمدعلی خان به سفارت پاریس می‌رفت، حاجی فهرستی از کتب علمی و فنی فرنگی سفارش داد که سفیر در بازگشت به ایران با خود بیاورد.^{۱۶} این فهرست را در واقع «ریشارخان» فرانسوی تنظیم کرده بود و گرنه آگاهیهای حاجی میرزا آقاسی در آن پایه‌ای نبود که آن گونه کتابها را سفارش دهد... محمدعلی خان آن فهرست را به وزیر خارجه فرانسه تحویل داد و حکم بر تهیه آن کتب و لوازم درخواستی داد.^{۱۷} اهمیت این فهرست از این جهت است که عنوانهای آن، نوعی نیازهای هیئت حاکمه و جامعه ایران را، البته به تشخیص ریشارخان فرانسوی، می‌رساند.

در زمینه‌های ادبی و علمی آن فهرست نویسندگان و آثار زیر را در برداشت:^{۱۸}

۱. دائرةالمعارف بزرگ [اثر نویسندگان عصر روشنگری].
۲. کلیات پاسکال^{۱۹} [فیلسوف و دانشمند فرانسوی].

۳. کلیات دکارت. [می‌دانیم که در ترجمه «گفتار در روش به کار بردن عقل با نام «حکمت ناصریه یا کتاب دیاکرت» به دوران ناصری پایان گرفت و چاپ شد].
۴. کلیات بوفون^{۲۰} در تاریخ طبیعی^{۲۱}
۵. کلیات سیموند^{۲۲} [مورخ و اقتصاددان سوئسی که کارل مارکس او را به رهبری اقتصاددانهای بورژوا می‌خواند].
۶. کلیات «برناردن دوسن پیر»^{۲۳} [نویسنده ناتورالیست فرانسوی مرید ژان ژاک روسو، نویسنده چند اثر در علوم طبیعی^{۲۴} و رمان به نام پل ویزوئیس].
۷. کلیات «بن ژامن دوکنستان»^{۲۵} [سیاستمدار و داستان‌سرای عصر روشنگری از جمله رمان «آدولف، در تنهایی و انزوای روح انسانی و نیز رهبر ربانی حزب رادیکال»]
۸. «تاریخ انقلاب فرانسه» اثر «تیر»^{۲۶} [تاریخ‌نگار و سیاستمدار فرانسوی هوادار سلطنت مشروط به دوران مشروطه بود که این کتاب را در تبریز به فارسی برگرداندند].
۹. «تاریخ بریتانیای کبیر» نوشته «هیوم»^{۲۷} [فیلسوف انگلیسی که مدونات دیگری در اصول اخلاق و تاریخ طبیعی دارد].
۱۰. «تاریخ عالم» [نام نویسنده یاد نشده].
۱۱. «خاطرات ژنرال سوشه در جنگ اسپانیا»^{۲۸}
۱۲. «پندنامه» لابرودید^{۲۹} [مورالیت فرانسوی سده هفتم].
۱۳. «تابلوی تاریخی - سیاسی اروپا از ۱۸۱۵ به بعد».
۱۴. واژه‌نامه ترکی - فارسی و ترکی - فرانسه از «مینسکی»^{۳۰}
۱۵. واژه‌نامه فارسی - انگلیسی از «ریچاردسن»^{۳۱}
۱۶. واژه‌نامه انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی از
- «جونسون»^{۳۲}
۱۷. واژه‌نامه پزشکی، ۳۰ جلد.
۱۸. راهنمای دیپلوماتیک «از مارتن»^{۳۳} [در مفهوم راهنمایی نمایندگان و هیئتهای سیاسی].
۱۹. واژه‌نامه علوم طبیعی^{۳۴}
۲۰. شیمی از «دوما»^{۳۵}
۲۱. فیزیک از «پویه»^{۳۶}
۲۲. شیمی پزشکی از «بولیه»^{۳۷}
۲۳. دروس شفاهی از «دوپوتره»^{۳۸} [در جراحی]
۲۴. جدول علوم طبیعی.
۲۵. «طرز کار بستن گاز کربنیک در کوره ذوب آهن» از شاپرول^{۳۹}
۲۶. «در آهن‌سازی و ذوب» از فلاشور و بارو^{۴۰}
۲۷. «در صنعت فلزات سنگین»^{۴۱}
۲۸. صنعت آهن‌سازی از «والتر»^{۴۲}
۲۹. در «صنعت ذوب آهن» از هانس فرانس سه جلد^{۴۳}
۳۰. «در فولادسازی»، از دامم^{۴۴}
۳۱. «در فولادسازی»، از لویله^{۴۵} مهندس اقتصاددان و جامعه‌شناس فرانسوی
۳۲. «پژوهش درباره آهن»، از فرانسوا^{۴۶}
۳۳. طرز ساختن آهن از فیری^{۴۷}
۳۴. «در حالت ساختن آهن از که نی‌ود»^{۴۸}
۳۵. «ذوب آهن» از برآمور^{۴۹}
۳۶. «نقشه پستی امپراطوری روسیه»
۳۷. «نقشه آسیای میانه»
۳۸. نقشه آسیای میانه از «بوزنر»^{۵۰} چاپ لندن ۱۸۳۴
۳۹. «نقشه خلیج فارس» از برشو^{۵۱}



۴۰. «نقشه امپراطوری عثمانی»

۴۱. «نقشه آسیا از کلابروت» شرق شناس آلمانی ۵۲

۴۲. در نجوم از «بوردا» ۵۳

۴۳. «اطلس نظامی فرانسه» ۵۴

۴۴. «بهترین نوشته های در باب کشاورزی»

۴۵. جمله مدونات نظامی

۴۶. «اصول نقاشی از ابتدا تا سطح فرهنگستان»

۴۷. «مدل کوچک قطار و راه آهن»

۴۸. «مدل کشتی بخار»

۴۹. «مدل ماشین بخار»

۵۰. دانش نامه مهندسان از پلی دور ۵۵

امیرکبیر نخستین صدر اعظمی بود که در دستگاه اداری خود هیئتی از مترجمان را گرد آورد. این افراد راه اتباع فرنگی مستخدم دولت، ایرانیان مسیحی و شاگردان ایرانی که در فرنگ درس خوانده بودند یا در ایران چیزی آموخته بودند تشکیل می داد. اشخاصی نظیر: ریشارخان فرانسوی، ادوارد برجیس، برادرش معروف به برجیس کوچک و آندره نسایوی، جان داودخان و برادرش، میرزا ملکم اصفهانی، میرزا ابراهیم عمومی ملکم، نظراقا، یحیی خان مشیرالدوله، حاج میرزا حسن، میرزا آقا تبریزی، میرزا محبعلی یکانلو، میرزا عبدالرسول مهندس اصفهانی، میرزا زکی علی آبادی، محمد قلی خان، محمدرضا خان کاشانی، محمدحسن خان قاجار. ۵۷

علاوه بر این، در دوره امیر، کتابهای نسبتاً زیادی به ایران رسید که ظاهراً سفارش دوره محمدشاه بوده است. در سال ۱۲۶۵ ق. تعداد دویست و نود و سه جلد کتاب از فرانسه یکجا رسید. موضوع این کتابها، علوم طبیعی، صنعت، زراعت و تجارت، اقتصاد، سیاست و قوانین معدن شناسی، نظامی، طب و بیطاروی بود. برخی از این کتب از این قرار بود:

- کتب فضیله قرآن

- اسامی مخترعین و شرح اختراع آنها

- کتب صرفه جویی در مخارج دولتی (۶ جلد)

- احکام پادشاهی در چهارم ماه مارس

- احکام دولت فرانسه نسبت به صنعتکاران

- علم قوانین و مداخل برزگران

- تقویم برزگران یعنی شناسایی ماه و سال بارتزندی

- زراعت از قرار علم طبیعی

- علم کیمیا و شناختن خاکها

- نقشه شناختن جریان آب

- نقشه چاه آرتزین

- ساختن چوب و امارت کشتی

- علم طبیعی

- کنکاش و مشورت جنگ

- احکام شرعی اهل نظام

- قواعد ژاندارم

- امور دولتی نساء

- جمهوری بنگی دنیا

- کتاب «آن لیز» (آنالیز)

- تربیت کرم ابریشم

- حقوق رعایا و کیفیت زراعت

- علم معاون و کارکنان آن ۵۸

افزون بر این، امیر در ۱۲ رمضان ۱۲۶۷ به جان دود ارمی نوشت: «مقداری کتاب از قبیل تواریخ معتبر خوب و مهندسی و دیگر کتابهایی که به کار دولت بخورد از

همان طور که از این فهرست پیداست، کتابهای درخواستی شامل زمینه های صنعتی، پزشکی، علوم انسانی، جغرافیا، علوم نظامی، ادبیات و هنر است. در زمینه علوم انسانی آثار اندیشمندان عصر روشنگری توجه برانگیز است. شاید هیئت حاکمه ایران متوجه هماهنگی و ارتباط متقابل بین علوم انسانی و تجربی و علوم طبیعی تجربی در اروپا شده بود و یا دست کم به آنان چنین فهمانده شده بود. به هر حال به اعتقاد ما توجه به این موضوعها، بلندپروازیهای عناصر موجود در بدنه دربار ایران، در آن زمان را می رساند. ۵۶ این کتابها زمانی به ایران رسید که چند سالی بیشتر از عمر حکومت محمدشاه باقی نبود. همان طور که می دانیم این کتابها سرمایه ای شد برای افراد علاقه مند و جست و جوگر عصر ناصری و هم در آن عصر بود که تعدادی از آنها ترجمه شد. ترجمه کتابهای فرنگی در عهد ناصرالدین شاه به اوج خود رسید.

در این دوره دو عامل جدید باعث رونق بیشتر کار ترجمه و نشر کتاب شد: تأسیس دارالفنون و دستگاه مترجمان دولتی. رشد این نهادهای جدید، تا حدی به رشد علوم و معارف در عصر ناصری انجامید.

به اعتقاد ما توجه به

این موضوعها، بلندپروازیهای عناصر

موجود در بدنه دربار ایران

در آن زمان را می رساند

فرانسه به دست آورده، بیاورد»^{۵۹} امیر خود نیز بر کار ترجمه و تألیف دو کتاب نظارت داشت: «جهان‌نمای جدید»^{۶۰} ترجمه داودخان در جغرافیای تاریخی و سیاسی و اقتصادی جهان، که رهاورد سفارت ارزنة‌الروم بود و جغرافیای عمومی نگارش «فلونمون رفائیل» انگلیسی.

همچنین در این زمان تاریخ مفصل فرانسه را تا زمان ناپلئون برای مطالعه شخص ناصرالدین شاه در دو جلد ترجمه کردند. روند ترجمه و نشر کتاب با رونق دارالفنون و ورود استادان خارجی و فارغ‌التحصیلی نخستین محصلان آن مدرسه و نیز فعالیت دارالطباعة و دارالترجمه وابسته به وزارت علوم توسعه بیشتری یافت.

پس از دوره امیر به دو مترجم پرکار عصر ناصری یعنی محمد طاهر میرزا و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه برمی‌خوریم. اولی که در دانشگاه الازهر قاهره تحصیلات خود را به پایان برده بود، بیشتر به ترجمه آثار الکساندر دوما از فرانسه به فارسی پرداخت.^{۶۱} آثار دوما که به جهت ارزش هنری در ردیف پایین‌تری در مقایسه با سایر نویسندگان اروپایی قرار داشت، ظاهراً با ذائقه ایرانی تناسب بیشتری داشت. چون، داستان و «شعر هسته اصلی تعلیم و تدریس در ایران» بود.^{۶۲}

به هر حال در رهگذر ترجمه این کتابها، که بدون تکلف و ساده نگاشته شده بود، جامعه ایرانی با تحولات سیاسی و اوضاع درباره فرانسه - البته در قالب داستان - آشنا می‌شد. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فرزند حاج علی خان صنایع‌الدوله از دیگر مترجمان فعال این دوره محسوب می‌شود. وی در سال ۱۲۵۶ ق. در تهران زاده شد و پس از فارغ‌التحصیلی از دارالفنون، در سال ۱۲۸۰ ق. رهسپار پاریس شد و در همان‌جا بود که زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت.

در ۱۲۸۲ ق. به ایران بازگشت و با سمت مترجم حضوری در دربار ناصری به خدمت پرداخت. در ۱۲۸۷ ق. رئیس دارالترجمه، در ۱۲۹۰ ق وزیر عدلیه و در ۱۲۹۸ ق و ۱۲۹۹ ق و ۱۳۰۰ ق به ترتیب رئیس دارالتألیف، عضو شورای دولتی و وزیر انطباعات گردید.

«اعتمادالسلطنه» به هنگامی که وزیر انطباعات شد، حلقه‌ای از جوانان زبان‌دان را برای ترجمه کتابهایی به زبان فرانسوی و انگلیسی و عربی و هندی تشکیل داد. خود او نیز مترجمی فعال بود.^{۶۳} از ترجمه‌های او می‌توان آثار زیر را برشمرد:

«طیب اجباری»، «سرگذشت خانم انگلیسی»، «داستان روبنسون سوئیسی»، «خاطرات مادموازل دو مونت پانسیه»، «شرح احوال کریستف کلمب» و «سیاحت‌نامه کاپیتان آنزاس».

به اعتقاد ما اگر چه در حوزه‌های علوم جدید تعداد این کتابها ناچیز بود ولی برای طرح سؤال در اذهان آگاه همین اندازه نیز کافی بود

اعتمادالسلطنه خلاصه‌ای از تاریخ فرانسه را نیز ترجمه نمود و به کتاب «خاطرات مادموازل دو مونت پانسیه» ضمیمه کرد و نام «تاریخ فرانسه» بدان داد. با این همه ناصرالدین شاه دستور جمع‌آوری آن کتاب را صادر کرد و این خود عاملی شد برای بروز کدورت بین شاه و اعتمادالسلطنه و ترک موقت کارهای دولتی از سوی او، اما این مسئله طولی نکشید،^{۶۴} و اعتمادالسلطنه مجدداً به کار خود ادامه داد.

از دیگر کتابهای مفید و ارزشمند این عصر ترجمه «کتاب دیاکرت» یا حکمت «ناصریه» بود. این کتاب که همان اثر معروف دکارت یعنی «گفتار در روش به کار بردن عقل» است، توسط کنت دوگوبینو و با دستیاری امیل برنه عضو سفارت فرانسه و «الغازار رحیم موسایی همدانی» مشهور به «ملا لالزار» به فارسی برگردانده شد. مترجمان کتاب برای این که اثرات سوء انتشار کتاب را در ذهن مخالفان بزدایند در مقدمه کتاب آورده‌اند که «تحصیل حکمت سبب شناسایی مقام اولوهیت است. اگر چه در حکمای عالی‌مقدار ذوی العز و الاقتدار در این دولت جاوید آیت موجود و از این تألیفات مستغنی هستند، از آنجا که علم هر چیز بر جهلش شرف دارد، و هیچ بی‌فایده نخواهد بود» به انتشار آن دست بردند.^{۶۵}

ترجمه کتابهای خارجی، درپچه‌های جدیدی را به روی جامعه ایرانی خاصه اقشار تحصیل‌کرده آن، هر چند تعدادشان اندک بود، می‌گشود و آنان را با نیازهای تازه دیگر آشنا می‌ساخت. به اعتقاد ما اگر چه در حوزه‌های علوم جدید تعداد این کتابها ناچیز بود ولی برای طرح سؤال در اذهان آگاه همین اندازه نیز کافی بود.

از دیگر مترجمان فعال عصر ناصری می‌توان از این افراد نام برد: محمدتقی انصاری کاشانی، عبدالرسول مهندس اصفهانی، میرزا زکی مازندرانی، علی ناظم‌العلوم،

عبدالغفار نجم الدوله، علی بخش‌بین اسکندر قاجار، محمد طاهرین اسکندر قاجار، عبدالرحیم طالبوف (نجاززاده)، مسعودبن عبدالرحیم انصاری، خلیل ثقفی، نظام‌الحکما حسین کاشانی، مصطفی اصفهانی، محمد حسین دکتر، علی نقی جدیدالاسلام و محمد حسین افشار و... ۶۶

پی‌نوشت:

* این مقاله از نقدنامه کتاب ویژه‌نامه پنجمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۶ نقل شده است.

1. Typography

۲. نقی‌زاده، حسن، چاپخانه و روزنامه در ایران، (روزنامه کاوه (دوره جدید)، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۱-۱۴.

۳. پیشین.

۴. رساله جهادیه، میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی (۱۲۳۴ ق.) به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران، ۱۳۵۲، چاپ دوم، صفحه ۷۵.

۵. کاوه (یادشده) بعدها در همین مطبعه کتاب مآثرالسلطانیه (۱۲۴۱) و رساله‌ای در آبله کوبی (۱۲۴۵) منتشر شد.

۶. بسرای نمونه بنگرید: مفتون دنبالی، عبدالرزاق: مآثرالسلطانیه، به کوشش غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۱، چاپ دوم، صص ۳۹۳.

۷. تعدادی از این پژوهشها از این قرار است: آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، صص ۳۶۸ به بعد - مجله تعلیم و تربیت، تاریخچه معارف ایران، سال چهارم، شماره ششم و هفتم و هشتم، جواهر کلام، علی: چاپخانه - در ایران (نامه راه

«راند» ۴) صص ۲۴۳ - ۲۴۴ - تربیت. محمدعلی: تاریخ تأسیس مطبعه (مطبوعات پارسی) - ارمنغان، شماره ۱۲،

صص ۳۶۹-۳۸۱: تاریخ مطبعه و مطبوعات ایران، تعلیم و تربیت، شماره یازدهم، سال چهارم، صفحه ۶۶۴-۶۵۷ و دوازدهم، صص ۷۲۴ - ۷۲۱ محبوبی اردکانی. حسین: تاریخ

مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، چاپ دوم، ۳جلد، جلد اول، صص ۲۰۹-۲۲۷.

۸. تربیت، محمدعلی، مبداء تاریخ ایران‌شناسی در اروپا، ارمنغان، سال دوازدهم، شماره هفتم و هم او تاریخ مطبعه و مطبوعات ایران، تعلیم و تربیت سال چهارم، شماره یازدهم.

۹. البته سرجان ملکم در کتاب خود اشاره‌ای دارد که «در این اواخر مختصری از قواعد کار پرنیکس با شرح نیوتیان در فارسی ترجمه شده است، بلکه سبب ترقی مردم در این باب

شود» اما اثری از آن در دست نیست بنگرید: ملکم، سرجان، تاریخ ایران، تهران، کتابفروشی سعدی، چاپ دوم، بی‌تا،

باب ۲۴، صص ۴۳۴

۱۰. محبوبی اردکانی، ج ۱، صص ۲۲۷.

۱۱. ترجمه دیگری از این کتاب که توسط میرزا رضا مهندس (یکی از شاگردان اعزامی دوره دوم که به انگلستان رفت) به انجام رسیده و با این مشخصات در دست است: ولتر، پترکبیر و شارل دوازدهم، ترجمه میرزا رضا مهندس، تبریز، ۱۲۴۵.

۱۲. محبوبی اردکانی، صص ۲۲۶.

۱۳. همان، صص ۲۲۷.

14. Edward Gibbon

۱۵. میرزا رضا به علت مخالفت‌هایی که درباریان با مطالب این کتاب کردند، ترجمه خود را نیمه تمام رها کرده است. بنگرید به ادوارد گیبون، تاریخ تنزیل و خرابی دولت روم، ترجمه رضا مهندس، ۱۲۷۴، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۶۶.

۱۶. ایران در راهیابی فرهنگی، صص ۲۴۰.

Liste desoaragest instranents demande par son

Excellence l'am bassadeurde perse 1848

۱۸. هما ناطق ترجمه این عنوانها را در پژوهش خود آورده است و ما نیز از آن مأخذ استفاده کرده‌ایم.

19. Blaise Pascal (1662-1662)

20. G. Baffon (1707-1788)

21. Histoire Natvelle.

22. Simonde de sismondi (1773-1842)

این کتاب در دوره ناصری با این مشخصات ترجمه شد

سیموند، اکنمی پلتیک، ترجمه مسیو ویشارخان فرانسوی،

انشای محمدحسن شیرازی، ۱۲۰۰، کتابخانه ملی.

23. Bernardin de saint pierre, (1737-1814)

24. Benjamin de constant (1767-1830)

25. Benjamin de constant (1767-1830)

26. Louis A. Thiers (1797-1877)

27. David Hume (1711-1776)

28. Clavde sachet (1770-1826): "Memoires Surla gverse"

29. dEspagne. Paris. 1829.

30. Richardson

31. Meininski

32. Samuel Johnson (1709-1784)

33. Martin: "Guide diplomatigve"

34. Dictionnaire dos sciences natvrells"

35. Jean Babtiste Damas (1800-1884)

36. Claude Pouillet (1790-1868)

37. Alexis Boyer (1760-1868)

38. Guillaume Dupuytren (1774-1855)

39. Chabrol: "Noric sur lapplication de lappareila gazbonneavth avts fourneaux

40. Flachot, barrauhet pelier: Traite de lafabrication duferetde la fonte

41. Metallargie pratigue

42. Walter: Metallurgie Pratigue

43. Hassen frats: "lasidenote chine"

44. Damemme: "Emploidel'acier"

45. Ferederic Leplay (1806-1882)

46. Francois Resherche surle Minerai defer

47. Ferry: Proc'edes de fabrication defer

۹۵۷ و ۸۶۸ و نیز همو: مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی، میرهاشم محدث، ۴ جلد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۲۶۷، ج ۱، صفحات نه تا سی و یک.

۶۴. برای اطلاع بیشتر از این موضوع نگاه کنید به: روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، صص ۱-۱۱۹ و ص ۱۱۸۹.

۶۵. «حکمت ناصریه» یا «کتاب دیاکرت»، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۹، مجلس ۲۸۲۳۹، ص ۹.

۶۶. برای جلوگیری از اطالة کلام، فهرست این مترجمان به همراه نام کتابهایی که ترجمه کرده‌اند در چهار بخش کلی ریاضیات و هندسه، نجوم، فیزیک و دانش فنی و معادن و کشاورزی، پزشکی و شیمی در ضمائم این تحقیق آورده شده است. بنگرید به فهرست کتب و رساله علمی عصر ناصری در ضمائم همین پژوهش.



48. Gvinivear: "Deletat de la fabrication defer"
49. r'ene Antoine ferchault de Reavmvr (1683_1757)
50. Alexandre Burnes
51. Berchoux: a carte du Golphe Persi Pve
52. Henrich, J. Klapproth (1783-1835)
53. Jean charles de Borda (1733-1799): "Le cerde repetiteur"
54. Cartes Militaire de la france
55. Bilidio: "la science des ingenieurs"

۵۶. پولاک از ترجمه سه کتاب مهم در دوره محمدشاه خیر می‌دهد. این کتاب از این قرار بود: «تاریخ ناپلئون» تألیف والتر اسکات، «تاریخ پطر کبیر و شارل دوازدهم» اثر ولتر. پولاک معتقد است هر ایرانی تحصیل کرده‌ای به خوبی از آن کتب مطلع است. پیش‌تر به ترجمه این آثار به وسیله محمدعلی نامی از مستوفیان دربار عباس میرزا و میرزا رضا مهندس از محصلین اعزامی به خارج اشاره کردیم.

نک به: پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)؛ ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، چاپ اول، ص ۱۹۲.

۵۷. به نقل از امیرکبیر و ایران، ص ۳۷۹ و نیز نگاه کنید به ضمائم همین پژوهش که کتب ترجمه شده عصر امیرکبیر به وجود این افراد پگواهی می‌دهد.

۵۸. این کتابها با همان عنوانی که در آن زمان ترجمه گردیده آمده است؛ بنگرید به «امیرکبیر و ایران»، صص ۳۸۰ و ۳۸۱.

۵۹. پیشین، ص ۳۸۱.

۶۰. زان داود و میرزا محمدحسین فراهانی، جهان نمای جدید در جغرافیای تاریخی و سیاسی و اقتصادی و طبیعی عالم، این کتاب به دستور میرزا تقی‌خان با استفاده از منابع مختلف اروپایی تدوین گشته و خود او بر آن مراقبت داشته است. دو نسخه خطی از آن در کتابخانه ملی ایران موجود است.

۶۱. آثاری که محمد طاهر میرزا دوما ترجمه کرد بدین ترتیب بود: آلكساندر دوما: لوتی چهاردهم و قرن و عصرش؛ لارن مارگو، «سه تفنگدار»، کنت مونت کریستو، لورد هرب.

۶۲. سفرنامه پولاک، ص ۱۸۹.

۶۳. عده‌ای معتقدند اعتمادالسلطنه تألیفاتی نداشته و آنچه به نام اوست، از دیگران است یا او را بزرگترین استنمارگر علما و فضلاي عصر خویش می‌داند. در رد این ادعاها باید گفت که فقط از ذهن شخص مثل او می‌توانسته کتاب خلسه (۱۳۱۰) تراوش کند و قطعاً این کتاب از قلم او جاری شده است. برای اطلاع بیشتر بنگرید: «یادداشت‌های محمد قزوینی»، به کوشش ایرج افشار، دانشگاه تهران، ج ۶ و محیط طباطبایی، محمد: (یغما سال هفدهم، شماره هشتم). اعتمادالسلطنه محمدحسن خان، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰، صص ۳۳۸ و ۴۰۷ و ۵۷۰ و ۱۱۲۵ و ۱۵۳ و ۶۹۴ و ۱۱۵۰ و ۶۷۹ و ۶۹۷